

تحلیل و بررسی برخی آرای نلدکه پیرامون جمع قرآن

محمد حسین محمدی

مدرس و محقق مرکز جهانی علوم اسلامی

عقاید خود را درباره اصل قرآن و جمع
آوری آن مطرح کرد.

در نوشتار حاضر، برخی باورهای او
را مانند عدم جمع قرآن در زمان
پیامبر صلی الله علیه و آله، جمع آوری علی التکلیف،
عقیده نولدکه پیرامون جمع قرآن و زمان
توحید مصاحف کاویده، و در پایان به
معنای «جمع قرآن» و اقوال مختلف و
مراحل جمع آوری قرآن اشاره کرده‌ایم.

واژگان کلیدی:

قرآن، خاورشناسان، تاریخ، جمع،
تدوین، آراء، حفظ، کتابت، نولدکه،
مصحف، توحید مصاحف، مراحل.

چکیده:

یکی از مباحث مهم و اساسی در
تاریخ قرآن، که اقوال مختلفی درباره آن
ابراز شده، جمع آوری قرآن است. برخی
آن را مربوط به زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و
به دستور خود او می‌دانند و برخی آن را
مربوط به بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و
مختص به زمان ابوبکر و یا عثمان
می‌دانند. مستشرقان نیز سهم خود را در
این بخش از تاریخ قرآن ایفا نموده و
نظریاتی را بیان کرده‌اند که یکی از آنها
تئودور نولدکه مجارستانی است. وی
کتابی در زمینه تاریخ قرآن به عنوان
رساله دکترای خود نوشت و در آن،

در آمد

در سال ۱۰۹۵ میلادی با آغاز جنگ‌های صلیبی، اروپاییان به شرق روی آورده و در صدد کاوش و پژوهش در فرهنگ اسلام و قرآن بر آمدند و عمده فعالیت‌های خود را به نقل آثار و ترجمه افکار اسلامی و قرآنی اختصاص دادند. دانشمندانی که در باره پژوهش‌های قرآنی در غرب به تحقیق نشسته‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. کسانی که ستیزی با حق ندارند و تنها قصد آن‌ها حقیقت‌جویی و پژوهش است، (اگر چه گاهی در افکار خود دچار اشتباه شده‌اند) مانند **لوئی ماسینیون** فرانسوی که آثاری چون **سلمان پاک و مصایب حلاج** را به رشته تحریر در آورده و یا **هانری کربن** فرانسوی که آثار ارزشمند دیگری را به یادگار گذاشته است.

۲. افرادی که قصد و غرض خاصی را دنبال می‌کنند که یکی از آن‌ها **یوهانس تئودور نولدکه** (Theodor NOLdeke) آلمانی است که معروف‌ترین آثار او همان کتاب **تاریخ قرآن** است (Geschichte des Qorans). این کتاب، مبنای تمام پژوهشگران غربی درباره قرآن می‌باشد.

نولدکه جوانی بود که در سال ۱۸۵۶ م رساله دکترای خود را در باب جمع و تدوین قرآن نوشت، و این اثر در سال ۱۸۶۰ با عنوان **تاریخ قرآن** انتشار یافت. این کتاب از بهترین تالیفات مستشرقان در تاریخ قرآن است.

در سال ۱۸۹۸ ناشر به نولدکه چاپ دوم این کتاب را پیشنهاد داد و از آن‌جا که خود نولدکه نمی‌توانست اصلاحات لازم را انجام دهد، این کار را به فردریش شوالی (Fred rish schwally) - شاگرد مسیحی خود - واگذار کرد.

ویرایش دوم این کتاب به علت‌های مختلفی که وجود داشت، چندین سال به طول انجامید، و در سال ۱۹۰۹ م منتشر شد، و جلد دوم در سال ۱۹۱۹ م چاپ شد، ولی بعدها دو دانشمند آلمانی دیگر به نام **برگسترا سر** (Beregs traCer) و **پریتمسل** (Pretzl) در سال ۱۹۳۸ م جلد سوم را به آن افزودند.^۱

این کتاب از سه بخش تشکیل شده، که بخش اول آن را خود **نولدکه** نگاشت که شامل مباحث وحی، مصادر قرآن و تأثیر پذیری آن از کتب گذشته است. بخش دوم این کتاب شامل مباحثی مانند گردآوری قرآن، و بخش سوم در

برگیرنده بحث قرائات و رسم الخط قرآن می‌باشد.

آرای نولدکه درباره جمع قرآن که بر گرفته از بعضی منابع غیر قابل اعتماد و یا افکار شخصی خود با توجه به باورهایی که در مورد قرآن و وحیانی نبودن آن دارد، می‌باشد، محققان را بر آن داشته، تا افکار و عقاید وی را نقد و تحلیل نمایند.

نولدکه اعتقادات خاصی پیرامون جمع و تدوین قرآن دارد که بحث پیرامون همه نظریات او فرصتی دیگر می‌طلبد، ولی نگارنده در پی تجزیه و تحلیل چند نظریه از نظریات او درباره جمع و تدوین قرآن با توجه به رعایت محدودیت و شرایط خاص می‌باشد.

اول: نولدکه و عدم جمع قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

نولدکه می‌گوید: «الا يكون القرآن قد جمع كاملا في ايام النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر بدیهی...»^۲
بررسی: براساس دیدگاه برخی دانشمندان اسلامی مانند آیت الله خوینی رحمته، قرآن به صورت کامل در زمان خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمع‌آوری گردید، و براساس دیدگاه کسانی که جمع قرآن را بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌دانند،

تعداد آیات هر سوره و تکمیل سوره‌ها و مستقل بودن هر سوره از دیگری به طوری که آیات آن با سوره دیگر اشتباه نشود، در زمان آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشخص بود،^۳ ولی این سوره‌ها در کنار یکدیگر در یک مصحف قرار نداشت و این کار پس از آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام شد و تعجب این است که چگونه نولدکه ادعا می‌کند عدم جمع قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک امر بدیهی و روشن است و حداقل باید مشخص می‌کرد که منظور عدم جمع قرآن در یک مصحف بوده است و یا دست‌کم شواهد تاریخی بر این مطلب اقامه می‌نمود.^۴

دوم: جمع علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ از دیدگاه نولدکه

نولدکه می‌گوید: بعضی ادعا دارند که جمع قرآن به دست علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در زمان حیات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده و بعضی نیز آن را مربوط به بعد از حیات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته‌اند تا این که این افتخار را از دیگران سلب نمایند؛ از این رو، علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ تصمیم گرفت قرآن را از حافظه خود به تدوین در آورد و او سه روز این کار را انجام داد. نولدکه این گفته خود را به کتاب *الفهرست*، تحقیق فلوگل ص ۲۸ استناد می‌دهد و در ادامه می‌گوید:

مصادر این اخبار به شیعه و یا تاریخ اهل سنت (که دارای افکار شیعی هستند) برگشت می‌کند و این گفته‌ها با وقایع تاریخی منافات دارد.^۵

در جای دیگر می‌گوید: بعید نیست که گفته شود افزون بر قرآن‌هایی که در زمان ابوبکر جمع و تدوین شده بود، نسخه‌هایی غیر مشهور از قرآن وجود داشته است؛ اما این که گفته شود علی رضی الله عنه نسبت به جمع قرآن اقدام نمود، بعید و یا محال به نظر می‌رسد و روایاتی که می‌گوید علی رضی الله عنه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به جمع قرآن اقدام نمود، از مجعولات شیعه است.^۶

بررسی: این سخن از نولدکه عجیب به نظر می‌رسد! او چگونه ادعا می‌کند مصحف علی رضی الله عنه از مجعولات شیعه است، در حالی که بسیاری از محققان مسلمان مانند ابن ندیم در *الفهرست*^۷ و سیوطی در *الاتقان*^۸ و ابن سعد در *الطبقات الكبرى*^۹ و ابن ابی داود در کتاب *المصاحف*^{۱۰} و ابن عبد البر در *الاستیعاب*^{۱۱} و شهرستانی در کتاب *مفاتیح*^{۱۲} و ابن جزئی در کتاب *التسهیل*^{۱۳} به این مصحف از طرق مختلف تصریح کرده‌اند؟!

سوم: نولدکه و اقوال جمع قرآن

نولدکه هنگام نقد روایات جمع قرآن چنین می‌گوید:

در میان مسلمانان در باره جمع قرآن سه نظریه وجود دارد.

اول: جمع قرآن در زمان ابوبکر بوده است.

دوم: جمع قرآن در زمان عمر تمام شده است.

سوم: جمع قرآن در زمان ابوبکر شروع و در زمان عثمان تمام شده است.^{۱۴} **بررسی:** نولدکه متأسفانه در این مورد نیز دچار خطا شده است؛ و نظریه‌های دیگر را نادیده گرفته است زیرا:

در میان مسلمانان نظریه دیگری نیز وجود دارد و آن این است که قرآن در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و به دستور آن حضرت صلی الله علیه و آله جمع آوری شد. علامه بلاغی^{۱۵} و آیت الله خوئی^{۱۶} از جمله طرفداران این نظریه می‌باشند.^{۱۷}

نولدکه باید قبول کند که حداقل برخی از مراحل جمع قرآن در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. سیوطی در *الاتقان*^{۱۸} برای جمع قرآن سه مرحله آورده و مرحله اول را به زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص داده است؛ پس

شماری از مورخان آن را مربوط به سال ۲۵ یعنی سال دوم یا سوم خلافت عثمان دانسته‌اند. ابن حجر می‌گوید: این کار (توحید مصاحف) از سال ۲۵ هجری آغاز شد و برخی گمان کرده‌اند آغاز این کار در سال ۳۰ هجری بوده، ولی هیچ سندی بر ادعای خود ارائه نکرده‌اند.^{۱۹}

ظاهراً سخن ابن اثیر که تاریخ آن را به سال ۳۰ دانسته، اشتباه است؛ زیرا:

اول: بنا به روایت ابو مخنف، این جنگ در سال ۲۴ هجری رخ داده است.^{۲۰}

دوم: سعید در سال ۳۰ به جای ولید

به حکومت کوفه منصوب شده است و او در این زمان خود را برای جنگ طبرستان آماده کرده بود و ابن عباس و حذیفه در این جنگ همراه او بودند، و سعید تا سال ۳۴ به مدینه نیامد. با توجه به این مطلب که سعید یکی از اعضای توحید مصاحف بوده، اگر آغاز این کار در سال ۳۰ باشد، با این حوادث تطبیق ندارد.^{۲۱}

سوم: ابن ابی داود از مصعب یا سعد روایت کرده است که می‌گوید: عثمان هنگام جمع آوری قرآن به مردم اعلام نمود ۱۵ سال است که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرموده و شما در باره قرآن دچار اختلاف شدید و ...^{۲۲} از این خطبه به

چگونه آقای نولدکه برای این مسئله به **الاتقان** هم مراجعه نکرده است؟!

همچنین، این گونه نبوده که قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در اوراقی غیرمنظم و به صورت پراکنده باشد و ما در بحث مراحل جمع آوری قرآن به آن خواهیم پرداخت.

نولدکه چگونه ادعا می‌کند که جمع نخست قرآن مربوط به ابوبکر و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، در حالی که - چنان که بیان کردیم - جمع اول قرآن مربوط به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و به دستور خود آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌باشد؟!

چهارم: نولدکه و زمان توحید مصاحف

نولدکه می‌گوید: دشوار نیست که زمان تقریبی رویداد این حوادث (توحید مصاحف) را پیدا کنیم و آن این که زمان لشگر کشی به ارمنستان و آذربایجان را عموم مورخان سال ۳۰ هجری دانسته‌اند، ولی ارتباط این حمله‌ها با دیگر نبردهایی که مورخان در همان منطقه برشمرده‌اند و با اشخاصی که نامشان برده شده است، روشن نیست.

ادعای نولدکه در این باره صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا او می‌گوید: عموم مورخان این حادثه را مربوط به سال ۳۰ دانسته‌اند، در حالی که چنین نیست؛ زیرا

خوبی روشن می‌شود که سال توحید مصاحف باید در ۲۵ هجری باشد، زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اوایل سال ۱۱ هجری رحلت فرموده است.

معنای جمع قرآن

برای واژه «جمع» دو معنا گفته شده است: یکی به معنای جمع در ذهن‌ها و سینه‌هاست که مقصود همان حفظ قرآن است^{۲۳} و در صدر اسلام به حافظان قرآن «جماع القرآن» می‌گفتند و ابن‌ندیم نیز در فهرست در ذیل عنوان «الجماع القرآن» گروهی از حافظان قرآن را نام می‌برد که در رأس آنها علی كَتَبَهُ قرار دارد،^{۲۴} و معنای دیگر تدوین و نوشتن است. در مباحث جمع قرآن کریم، معنای دوم مراد می‌باشد و همین مطلب باعث خلط و اشتباه شده است.

دانشمندان زیادی دربارهٔ جمع‌آوری قرآن به بحث پرداخته و نظریات مختلفی در رد و یا اثبات آن ارائه کرده‌اند.

اقوال در جمع‌آوری قرآن

در مورد جمع‌آوری قرآن نظریات گوناگونی را می‌توان مطرح کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. قرآن در زمان خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به دستور آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمع‌آوری شده است.

۲. قرآن بعد از رحلت آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در زمان خلیفه اول، یعنی ابوبکر، جمع‌آوری شده است و او بود که قرآن را از اوراق پراکنده جمع‌آوری کرد.

۳. جمع‌آوری قرآن در زمان عثمان صورت گرفته است.^{۲۵}

معروف و مشهور این است که قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در صحیفه‌های مختلف جمع‌آوری شده بود؛ بنابراین، معنا ندارد که گفته شود قرآن فقط در اوراق پراکنده و متفرق بر روی استخوان‌ها و پوست‌ها و یا نوشت‌افزارهای دیگر نوشته شده و به هیچ شکلی گردآوری نشده بود. در این بحث، نخست دلایل هر گروه را نقل و به نقد و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

دلایل قائلان به جمع قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مهم‌ترین دلایلی که می‌توان بر جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقامه کرد، عبارت است از:

۱. نگارش قرآن در زمان پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امری ضروری و روشن است؛ زیرا قرآن سند و معجزه اسلام است و اهمال این امر مهم با مقام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ناسازگار می‌باشد و معنا ندارد

من در بین شما دو چیزگران بها را به امانت می‌گذارم که یکی بزرگ‌تر از دیگری است؛ اول کتاب خدا و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند.»

این احادیث به خوبی دلالت دارد که قرآن در زمان آن حضرت صلی الله علیه و آله جمع آوری شده است؛ زیرا لفظ «کتاب» به نوشته‌های پراکنده گفته نمی‌شود.

دکتر محمد حسین علی الصغیر -
استاد دروس علوم قرآن در دانشگاه کوفه - در این زمینه می‌گوید: ورود لفظ کتاب در قرآن و سنت دلالت دارد که قرآن یک مجموعه جمع‌آوری شده بوده است.^{۲۸}

بعضی اخبار نیز بر جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تصریح دارد؛ مانند:
عن قتادة قال: «سئلت انس ابن مالك من جمع القرآن على عهد رسول الله صلی الله علیه و آله. قال: اربعة كلهم من الانصار: ابي ابن كعب، معاذ بن جبل، زيد بن ثابت و ابو زيد»^{۲۹} از انس بن مالک پرسیدم: چه کسانی قرآن را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله جمع کردند؟ پاسخ داد: چهار نفر: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و ابو زید که همه آنها از انصار بودند.»

عن زيد بن ثابت قال: «أنا كنا عند رسول الله صلی الله علیه و آله تولى القرآن من الرقاق»^{۳۰}

که آن حضرت صلی الله علیه و آله این کار اساسی را به دیگران واگذار کرده باشد. از سوی دیگر، اعتماد به حفظ قرآن در سینه‌ها نمی‌تواند انسان را در مورد بقای این کتاب آسمانی مطمئن سازد؛ بنابر این، پیامبر صلی الله علیه و آله افرادی را انتخاب کرد تا قرآن را ثبت کنند و خود نیز بر کار آنها نظارت داشت.

۲. از روایات متعددی استفاده می‌شود که قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نگارش یافته است؛ از قبیل واژه «کتاب» در روایت ثقلین که متواتر بین شیعه و اهل سنت است؛ مانند دو حدیث زیر:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي اهل بيتي»^{۳۱}
همانا من در بین شما دو چیزگران بها را به امانت می‌گذارم: یکی کتاب خدا و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند.»

عن زيد بن ارقم قال : «لما رجع النبي صلی الله علیه و آله من حجة الوداع و نزل غدیر خم.... : "أني تارك فيكم الثقلين احدهما اكبر من الاخر ، كتاب الله و عترتي اهل بيتي»^{۳۲} زید بن ارقم می‌گوید: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت و در غدیر خم فرود آمد، فرمود : "همانا

ما در نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قرآن را از رقاع (قطعه‌ای از پوست یا برگ که بر آن می‌نوشتند) جمع آوری و تنظیم می‌کردیم.» در این جا کلمه «تألیف» علاوه بر نگارش، بر تنظیم و ترتیب نیز دلالت می‌کند.

۳. یکی از معروف‌ترین اسامی سوره حمد، فاتحة الكتاب است و اگر قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جمع آوری نشده بود، چرا این سوره را به این اسم نام‌گذاری کرده‌اند؛ در حالی که قطعا این سوره طبق ترتیب نزول، اولین سوره نازل شده نیست؟! پس می‌توان نتیجه گرفت که این سوره چون از نظر نظم و ترتیب در اول قرآن قرار گرفته «فاتحه الكتاب» نامیده شده است.

۴. قرآن در زمان پیامبر تدریس می‌شد و عده زیادی در همان زمان حافظ قرآن بودند و وجود حافظان دلیل بر گردآوری قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و سید مرتضی^{۳۱} و آیت الله خوئی^{۳۲} این نظریه را پذیرفته‌اند.

دلایل قائلان به جمع قرآن پس از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

مخالفان جمع آوری قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به شواهد و دلایل دیگری تمسک کرده‌اند؛ بدین قرار:

۱. زید بن ثابت نقل کرده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حالی از دنیا رفت که قرآن در مصحف واحدی جمع آوری نشده بود: «قبض النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و لم يكن القرآن جمع و إنما كان في الكرائيف و العصب؛^{۳۳} رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از دنیا رفت، در حالی که قرآن جمع نشده بود و همانا قرآن در شاخه‌های خرما و چوب‌های خرما قرار داشت.»

۲. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا اواخر عمر شریف خود در انتظار وحی بود و مجال و فرصتی پیش نیامد تا نویسندگان را به جمع کردن آیات و سوره‌های قرآن در مصحف واحدی وادار سازد؛ زیرا این احتمال وجود داشت که آیاتی نازل شود و آیات دیگر را نسخ کند؛ از این رو، تألیف قطعی قرآن امکان نداشته است.

۳. جمع آوری قرآن به دست علی عَلِيٌّ ع بهترین دلیل بر عدم جمع آوری قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و حتی خود آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به علی عَلِيٌّ ع فرمودند که قرآن را جمع آوری کند: عن علي بن ابراهيم عن ابي بكر الحضرمي عن ابي عبدالله جعفر بن محمد عَلِيٌّ ع قال: «ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قال لعلي عَلِيٌّ ع: يا علي عَلِيٌّ ع ان القرآن خلف فراشي في الصحف و

می‌گردید، و جمع قرآن به این معنا در زمان پیامبر ﷺ صورت گرفته بود.

۳. جمع قرآن به معنای «نگارش قرآن» که بر روی سنگ و یا استخوان‌های مختلف می‌نوشتند و آن را نگهداری می‌کردند و این جمع نیز قطعا در زمان پیامبر ﷺ صورت گرفته است، ولی بحث در این است که آیا نوشتن آیات یک سوره و یا تنظیم سوره‌ها در کنار یکدیگر و یا تنظیم کلمات یک آیه و... همه در زمان حضرت ﷺ بوده یا این که بخشی از آن‌ها، بعد از رحلت آن حضرت ﷺ انجام شده است؟

آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد، این است که نظم کلمات هر آیه و تنظیم آن‌ها در قالب یک سوره در زمان آن حضرت ﷺ و به دستور او بوده است.

۴. جمع قرآن به معنای توحید (یکی کردن) قرائت‌های مختلف که به عثمان نسبت داده‌اند.

۵. جمع قرآن به معنای صورت فعلی قرآن، که به طور مسلم بعد از رحلت پیامبر ﷺ رخ داده است.

۶. جمع قرآن به معنای، جمع آوری آن در یک مصحف، که از تاریخ و

الحریر والقراطیس فخذوه واجمعوه ولا تضيعوه كما ضيبت اليهود التورات؛^{۳۴} امام صادق عليه السلام می‌فرماید: پیامبر ﷺ به علی عليه السلام فرمود: همانا قرآن در پشت بستر من در صحیفه‌ها و پارچه‌ها و کاغذها قرار دارد. پس آن را جمع آوری کنید و آن را ضایع نکنید؛ چنان که یهود تورات را ضایع ساختند.»

جمع بندی و نتیجه‌گیری

«جمع» در لغت و اصطلاح به معنای مختلفی به کار رفته است و هر کدام از موافقان و مخالفان در این بحث به معنایی از معنای جمع قرآن نظر داشته‌اند؛ از این رو، در این بحث ابتدا معنای مختلف جمع را بیان و سپس نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

۱. جمع به معنای نزدیک کردن اجزای یک شیئی به یکدیگر، به طوری که به هم ضمیمه گردد و آیه شریفه «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»^{۳۵} نیز به همین معنا می‌باشد.^{۳۶}

۲. جمع به معنای حفظ آیات و سوره‌ها که در زمان نزول آیات، صحابه به این امر بسیار اهمیت می‌دادند و به حافظان قرآن نیز «جماع القرآن» اطلاق

روایات به دست می‌آید؛ این نوع جمع نیز بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام شده است.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که هر کدام از اقوال به یک مرحله از مراحل تاریخی جمع قرآن اشاره دارند. قرآن به یک معنا (جمع‌آوری و نظم آیات سوره‌ها) در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام شده بود، ولی سوره‌های آن به صورت امروزی منظم و مرتب نشده بود، بلکه تنظیم سوره‌ها در یک مصحف پس از رحلت آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام پذیرفت.^{۳۷}

مراحل جمع‌آوری قرآن

از مطالعه در مجموع روایات و دلایل و اقوال علما، می‌توان برای نگارش قرآن مراحل را در نظر گرفت که به این شرح است:

مرحله اول: حفظ آیات الهی

هم‌زمان با نزول وحی، گروهی از صحابه مشغول حفظ آیات الهی شدند و آن را به خاطر سپردند که در تاریخ این گروه به «حفاظ قرآن» و «جماع القرآن» معروف گردیدند. خود پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به حفظ قرآن کریم توجه خاصی داشتند و صحابه را به این امر بسیار تشویق می‌کردند و تعداد حافظان به

حدی رسید که به نقل قرطبی، هفتاد نفر از آنها در جنگ یمامه به شهادت رسیدند.^{۳۸}

می‌توان اولین حافظ قرآن را شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حساب آورد که در راس همه حافظان قرار داشت؛ زیرا آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مورد بسیار جدی و سخت کوش بودند و با الطاف الهی با یک مرتبه خواندن، قرآن را حفظ می‌شدند؛ حتی گاهی جبرئیل سوره‌ای طولانی را بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خواندند و آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با یک بار خواندن به گونه‌ای آن را حفظ می‌کردند که هرگز آن را فراموش نمی‌کردند.

علامه طبرسی قَدَسَ سِرُّهُ در ذیل آیه «لَا تُحَرِّكْ بِهٖ لِسَانَکَ لِتَعْجَلَ بِهٖ اِنَّ عَلَیْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»^{۳۹} می‌فرماید: وقتی قرآن بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می‌شد، زبان مبارکش حرکت می‌کرد و آن را می‌خواند و به فرا گرفتن و حفظ کردن حرص می‌ورزید؛ از این رو، خداوند به او فرمود: این حرص ضرورتی ندارد؛ چون ما حفظ قرآن را در سینه تو ضمانت کرده‌ایم.

سعی و تلاش برای حفظ آیات قرآن، فقط به آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محدود نگشت و او دیگران را نیز دعوت می‌فرمود تا

لخاف، ورقاع و...) که در اختیار داشتند، ثبت می‌کردند و این آیات در خانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نگهداری می‌شد.^{۴۱}

آیات تحدی نیز می‌تواند شاهدی بر تنظیم جداگانه سوره‌ها و آیات باشد؛ زیرا اگر آیات و سوره‌ها در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشخص نشده باشند، تحدی به یک سوره یا بیشتر مفهومی نخواهد داشت.

مرحله سوم: جمع آوری قرآن در یک مصحف

گفته شده که این مرحله به صورت رسمی در زمان ابوبکر و به سرپرستی زید بن ثابت انجام شده است و نیز گفته شده است که ابوبکر این قرآن را به عمر و او نیز به دخترش حفصه داد. عثمان در هنگام توحید مصاحف آن را مدتی از حفصه به امانت گرفت و سپس به او بازگرداند، ولی - همان گونه که در بحث‌های آینده روشن خواهد شد - جمع آوری آیات قرآن در زمان ابوبکر فقط در قالب سوره‌ها انجام پذیرفت و هر سوره در یک صحیفه به صورت جداگانه تنظیم شد و ابوبکر نیز موفق به جمع قرآن در یک مصحف نگشت.

مرحله چهارم: توحید مصاحف

گسترش اسلام در کشورهای دیگر و نیز ارتباط یافتن ملت عرب با غیر عرب

قرآن را به خاطر بسپارند. نظارت بر حفظ چنان دقیق انجام می‌گرفت که اگر کسی یک حرف یا کلمه را تغییر می‌داد و یا کم و زیاد می‌کرد، مؤاخذه می‌شد.

مرحله دوم: تنظیم آیه‌ها و سوره‌های قرآن به طور جداگانه

هر سوره‌ای در یک صحیفه به طور جداگانه در پارچه‌ها و پوست‌ها تنظیم شده و آیات آن مشخص بوده است. هر گاه «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می‌شد، اصحاب متوجه می‌شدند که سوره قبلی تمام و سوره‌ای دیگر آغاز شده است. علامه طباطبایی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ از ابن عباس آورده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با نزول «بسم الله» می‌دانست که سوره قبلی پایان یافته است؛^{۴۲} البته در این مرحله همه سوره‌ها در یک صحیفه جمع‌آوری نشده بود و کلام زید بن ثابت که می‌گوید: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حالی از دنیا رفت که قرآن در یک جا جمع‌آوری نشده بود و همچنین کلام خطابی، کاملاً با این مسئله سازگاری دارد.

دکتر داود العطار می‌گوید: تدوین قرآن در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام گرفت. زمانی که وحی نازل می‌شد، اصحاب آن را با ابزارهایی (عسب،

در سایه فتوحات اسلامی، باعث بروز اختلاف‌هایی در قرائت قرآن شد؛ از این رو، عثمان گروهی را به سرپرستی زید بن ثابت مأمور کرد تا قرآن‌های مختلف را جمع آوری کند و یک مصحف با یک قرائت تهیه نماید. در فصلی جداگانه به این بحث پرداخته خواهد شد.

با توجه به نکاتی که مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که در حقیقت اختلاف چندانی بین محققان در جمع قرآن وجود ندارد و می‌توان به نوعی بین اقوال مختلف جمع کرد.

چگونگی کار زید در جمع آوری قرآن

زید بن ثابت در جمع آوری قرآن از منابع متعددی استفاده کرد:

۱. با توجه به این که زید بن ثابت از کاتبان وحی و حافظان قرآن بود، برای جمع آوری قرآن از اندوخته‌ها و حافظه خود در این زمینه بهره برد.

۲. نوشته‌های قرآنی که نزد دیگران وجود داشت و آن را در صورتی می‌پذیرفت که دو شاهد عادل آن نوشته را تأیید کنند؛ بنابر این، زید در این کار، فقط به اندوخته‌های خود متکی نبود که این خود نشانه دقت و احتیاط کامل زید بن ثابت در جمع قرآن است. ابن ابی

داود می‌گوید: عمر اعلام نمود که هر چه از قرآن نزد آنهاست، بیاورند و از هیچ کس چیزی را قبول نمی‌کردند مگر دو شاهد بر آن گواهی دهند.^{۴۲}

۳. گفته شده یکی از منابع زید در جمع قرآن، نسخه‌ای از قرآن بود که در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت؛ زیرا کاتبان وحی وقتی قرآن را می‌نوشتند، یک نسخه از آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دادند.

چگونگی کتابت قرآن

محققان مباحث تاریخ قرآن، کتابت قرآن را به چند دسته تقسیم نموده‌اند.

اول: کتابت به ترتیب نزول آیات

این قسم از کتابت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و به دستور او انجام می‌شد و کاتبان وحی آیات هر سوره را به ترتیب نزول با نظارت کامل او ثبت می‌کردند و هیچ گونه اجتهاد و نظر شخصی از دیگران در آن وجود نداشت و صحابه با نزول «بسم الله» متوجه می‌شدند که سوره قبلی پایان یافته و نزول سوره جدید آغاز شده. در برخی روایات نیز به این نکته اشاره شده است؛ از جمله:

قال الصادق عليه السلام: كان يعرف انقضاء سورة بنزول «بسم الله الرحمن الرحيم» ابتداء لاخرى؛^{۴۳} تمام شدن سوره با نزول

عن عثمان بن ابی العاص قال: «كنت جالسا عند رسول الله ﷺ... ثم صوبه ثم قال: أتاني جبرئيل عليه السلام فأمرني أن أضع هذه الآية هذا الموضع من هذه السورة» ان الله يأمر بالعدل والاحسان وإيتاء ذی القربى...» فجعلت في سورة النحل بين آيات الاستشهاد و آيات العهد؛^{۴۵} عثمان بن ابی العاص می گوید: در محضر رسول الله ﷺ نشسته بودم... که فرمود: جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و امر کرد که آیه (ان الله يأمر بالعدل والاحسان) را در این موضع از سوره قرار دهم، پس آن را در سوره نحل بین آيات استشهاد و آيات عهد قرار دادم.»

در روایت دیگری ابن عباس نقل کرده است: «كان رسول الله ﷺ يأتي عليه زمان و هو ينزل عليه السور ذوات العدد فكان إذا نزل عليه الشئ دعا بعض من يكتب فيقول: ضعوا هذه اللايات في السورة التي ذكر فيها كذا وكذا.»^{۴۶} گاهی برای رسول خدا ﷺ پیش می آمد که سوره هایی نازل شده بود و سپس آیاتی نازل می شد؛ پس آن حضرت بعضی کاتبان را احضار می کرد و می فرمود: این آیات را در آن سوره ای که این خصوصیات را دارد، قرار دهید.»

«بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای سوره دیگر شناخته می شد.»

عن ابن عباس: كان النبي ﷺ يعرف فصل سورة بنزول بسم الله الرحمن الرحيم فيعرف ان السورة قد ختمت و ابتدأت سورة اخرى...^{۴۷} ابن عباس می گوید: پیامبر ﷺ با نزول "بسم الله الرحمن الرحيم" می دانست که سوره قبلی پایان یافته و نزول سوره جدید آغاز شده است.» البته در زمان آن حضرت ﷺ آیات قرآن به ترتیب نزول در سوره ها ثبت می گردید و آیات مکی در سوره های مکی و آیات مدنی در سوره های مدنی نوشته شد.

دوم: کتابت بدون رعایت ترتیب نزول به دستور پیامبر ﷺ

برخی اوقات آیاتی بر پیامبر ﷺ نازل می شد و ایشان براساس مصلحت و حکمت به کاتبان وحی دستور می دادند تا آن را در سوره ای که قبلا نازل شده بود، قرار دهند؛ البته این نوع به ندرت اتفاق می افتاد و ثبت آن در سوره مشخص به دستور شخص پیامبر ﷺ نیازمند بود.

در برخی از روایات به این قسم از کتابت اشاره شده است؛ از جمله:

آیه‌ای دیگر که به دستور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سوره‌ای خاص قرار داده شده، «وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ»^{۴۷} است، که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد آن را در سوره بقره قرار دهد؛ در حالی که طبق نظر مشهور آخرین آیه‌ای است که بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده است.

سوم: کتابت بدون ترتیب نزول به اجتهاد صحابه

اگر در برخی سوره‌های قرآن دقت شود، معلوم می‌شود که تنظیم آیات آن

طبیعی نیست و دلیلی وجود ندارد که تنظیم این آیات را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت دهیم. از جمله سوره‌هایی که محققان از این قبیل دانسته‌اند، آیات سوره ممتحنه است که نه آیه اول آن در سال هشتم هجری، و آیه‌های دهم و یازدهم در سال ششم هجری، و آیه دوازدهم این سوره که به بیعت زنان مربوط است، مربوط به سال نهم هجری است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش - ۱۴۱۸ ق.
۲. الاتقان فی علوم القرآن، (دو جلدی) جلال الدین سیوطی، تحقیق عصام فارس الحرستانی، انتشارات دارالجلیل، بیروت ۱۴۱۹.
۳. البرهان فی علوم القرآن، محمد بن عبدالله زرکشی، مکتبه دارالتراث، بیروت.
۴. البیان فی تفسیر القرآن، آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، انتشارات دارالتقلین، چاپخانه نگین، طبع سوم، قم، ۱۴۱۸.
۵. المیزان، فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۲۱.
۶. آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، عمر ابراهیم رضوان ریاض، دارالطیبه، طبعه الاولی، ۱۴۱۳ ق.
۷. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۹.
۸. الفهرست، ابن ندیم، مطبعة الاستقامة، مصر.
۹. الطبقات الکبری، محمد بن سعد بن منیع، نشر دارالکتب، بیروت، ۱۴۰۵.
۱۰. المصاحف، عبدالله بن ابی داود سلیمان بن أشعث السجستانی، تصحیح آرتور جفری، طبع مصر ۱۹۳۶ م.
۱۱. المستدرک علی الصحیحین، ابو عبدالله الحاکم نیشابوری، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشی، دارالمعرفة، بیروت.
۱۲. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، یوسف بن عبدالله بن عبد البر، تحقیق علی بن محمد البجاوی، طبع مصر.
۱۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۰.
۱۴. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۵. تاریخ القرآن، نولدکه، دارالنشر جورج ألمز، ترجمه جورج تامر با همکاری سیده عبه معلوف و...، طبع اول، بیروت، ۲۰۰۴.
۱۶. تاریخ القرآن، ابو عبدالله زنجانی، مطبعه سپهر، تهران ۱۴۰۴.

۱۷. تاریخ اليعقوبي، احمد بن واضح يعقوبي، مكتبه الحيدريه، نجف ۱۹۶۴.
۱۸. تفسير قمی، ابی الحسن علی بن ابراهيم، مطبعه النجف، بی تا.
۱۹. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير الطبري، دارالفكر، بيروت ۱۴۰۸.
۲۰. در آستانه قرآن، رژی بلاشر، (در آستانه قرآن) ترجمه محمود رامیار.
۲۱. صحيح مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، ۱۴۰۷.
۲۲. علوم القرآن عند المفسرين، إعداد مركز الثقافه والمعارف القرآنيه، طبع مكتب الاعلام الاسلامي، قم، ۱۴۱۷.
۲۳. فتح الباري بشرح صحيح البخاري، عسقلاني، ابن حجر، دارالمعرفه، بيروت، بی تا.
۲۴. معانی جمع قرآن، محمدعلی رضایی، صحیفه مبین، سال چهارم، ص ۵۴ - ۵۹.
۲۵. مجمع البيان في علوم القرآن، فضل بن حسن الطبرسي، مؤسسه الاعلمي، بيروت ۱۴۱۵.
۲۶. مذاهب التفسير الاسلامي، گلديهر، تعريب عبدالحليم نجار، قاهره، مكتب الخانجي، ۱۳۷۴ ق.
۲۷. مسند، احمد بن حنبل، ابو عبدالله شيباني، بيروت، ۱۴۱۲.
۲۸. مفردات الفاظ القرآن الكريم، راغب اصفهاني، تحقيق صفوان عدنان، دارالقلم، ۱۴۱۲.
۲۹. مناهل العرفان في علوم القرآن، محمد عبدالعظيم زرقاني، قاهره، دار احياء الكتب العربيه.
۳۰. موجز علوم القرآن، داود العطار، مؤسسه الاعلمي، بيروت ۱۳۹۹.

پی نوشت‌ها:

۱۹. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۵.
۲۰. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۴۶.
۲۱. همان، ص ۱۵۵.
۲۲. سجستانی، عبدالله بن ابی داود، المصاحف، ص ۲۴.
۲۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۳۳۹.
۲۴. به نقل از حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۱۹.
۲۵. الصغیر، محمد حسین علی، تاریخ القرآن، ص ۶۵.
۲۶. حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹.
۲۷. سیدشرف الدین، المراجعات، ص ۲۶۴؛ ابوالحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۳؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۸۲؛ حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹.
۲۸. الصغیر، محمدحسین علی الصغیر، تاریخ القرآن، ص ۷۷.
۲۹. زرکشی، بدرالدین، البرهان، ج ۱، ص ۲۴۱.
۳۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۹۹.
۳۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵.
۳۲. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۷ - ۲۵۷.
۳۳. طبری، تفسیر طبری، ج ۱، ص ۶۳.
۳۴. زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، ص ۴۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۴۰.
۳۵. قیامت، ۱۷.
۳۶. راغب اصفهانی، مفردات، ماده جمع.
۳۷. رضایی، محمدعلی، صحیفه مبین، سال چهارم، مقاله «معانی جمع قرآن» ص ۵۴ - ۵۹.
۳۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۲۲.

۱. خاورشناسان و رویکردهای نوین در جمع قرآن، محمدرضا، بهشتی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۲۴۰-۲۴۱.
۲. تاریخ قرآن، نولدکه، تعریب جورج تامر، ص ۲۴۰.
۳. تاریخ قرآن، محمدهادی معرفت، ص ۲۴۰.
۴. ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، خویی، سید ابوالقاسم، ص ۲۴۷ - ۲۵۶؛ آلاء الرحمن، بلاغی، محمدرضا، ج ۱، ص ۵۲ - ۵۳.
۵. تاریخ قرآن، نولدکه، تعریب جورج تامر، ص ۲۴۳ - ۲۴۴.
۶. همان، ص ۲۷۸.
۷. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۱ - ۳۲.
۸. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۵۷.
۹. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸.
۱۰. سجستانی، ابن ابی داود، المصاحف، ص ۱۶.
۱۱. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، القسم الثالث، ص ۹۷۴.
۱۲. الشهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۱.
۱۳. به نقل از علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۳۵۱.
۱۴. نولدکه، تاریخ قرآن، تعریب جورج تامر، ص ۲۵۲.
۱۵. بلاغی، محمدرضا، آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۵۲ - ۵۳.
۱۶. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۷ - ۲۵۷.
۱۷. جلالی نایینی، سید محمدرضا، تاریخ جمع قرآن کریم، ص ۱۱۶ - ۱۱۹.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.

۳۹. قیامت، ۱۶ - ۱۷.

۴۰. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، ج ۱۲، ص ۱۲۷.

۴۱. داود العطار، *موجز علوم القرآن*، ص ۱۶۰.

۴۲. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان*، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴۳. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، ج ۱۲، ص ۱۲۷.

۴۴. همان.

۴۵. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان*، ج ۱، ص ۱۹۰؛

طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، ج ۱۲، ص ۱۲۷.

۴۶. یعقوبی، احمد بن واضح، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲،

ص ۳۶؛ سیوطی، جلال الدین، *الاتقان*، ج ۱،

ص ۱۹۰.

۴۷. بقره، ۲۸۱.